



اوضاع اقتصادی ایران در عصر شاهرخ تیموری

فاطمه بلندی

دبیر تاریخ، شهرستان اسدآباد

کلیدواژه‌ها: شاهرخ، تیموریان، اقتصاد ایران

مقدمه

هجوم وحشتناک امیر تیمور (۸۰۷-۷۳۶ هـ.ق) به ایران به نحوی تکرار حملات بنیان‌کن مغول‌ها بود. تیمور علاوه بر این که کوشید منافع خود و لشکریانش را طی یورش‌های مکرر تأمین کند، سعی نمود با غارت مناطق مفتوحه، سرزمین ماوراءالنهر، به‌ویژه سمرقند پایتخت خود را ترقی دهد. از این رو با انتقال هنرمندان، معماران، پیشه‌وران و... از شهرهای مختلف ایران به پایتخت، سمرقند را به شهری آباد تبدیل کرد. به‌هر حال، از حملات تیمور جز تخریب و ویرانی و غارت منابع، چیز دیگری عاید شهرهای ایران نشد. اما فرزندش شاهرخ، از همان ابتدای به حکومت رسیدن، در صدد جبران ویرانی‌های ناشی از حملات پدر برآمد. دوران حکومت وی آرامش و امنیت نسبی به همراه آورد. پادشاهی رعیت‌دوست بود و تا حد امکان به عمارت و بازسازی شهرها و روستاها و اماکن تخریب شده همت گماشت. رونق اقتصادی و رفاه و آرامش ایجاد کرد و پایتخت خود هرات را به شهری آباد و مرکز علما و هنرمندان تبدیل ساخت؛ این امر نه تنها در هرات بلکه در شهرهای دیگر قلمرو شاهرخ از جمله سمرقند و شیراز نیز، به دلیل وجود شاهزادگانی که در این شهرها حکومت می‌کردند، به چشم می‌خورد. شاهزادگان تیموری مردانی فرهنگ‌دوست بودند. از این رو در صدد بودند شهرهای محل حکومت خود را آباد سازند تا پشتوانه‌ی اقتصادی لازم را در جهت فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خویش ایجاد کنند. به همین دلیل اوضاع اقتصادی ممالک تحت حکومت شاهرخ در غالب بخش‌های آن، از قبیل تجارت و کشاورزی، رو به پیشرفت گذاشت که خود موجب بالا رفتن سطح رفاه عمومی و توسعه‌ی علمی، فرهنگی و هنری قلمرو او گردید. در ادامه شاخه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی عصر شاهرخ را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



سکه دوره تیموری

۱. تجارت

در عهد تیموریان، تجارتی فعال و با اهمیت در آسیای مرکزی و خاور نزدیک وجود داشت که فراتر از مرزهای این نواحی را هم در بر می‌گرفت. جاده‌ای تجاری که به شرق و شمال می‌رفت از سمرقند و بخشی نیز از هرات می‌گذشت. این جاده برای راه تجارتی که از چین به هند می‌رفت نیز اهمیت داشت. (رویمر، ۱۳۸۰، ص ۱۸۲-۱۸۴).

هرمز، بندر بزرگ این عهد، مملو

از مال‌التجاره‌ی وارداتی و صادراتی بود. عبدالرزاق سمرقندی که در سال ۸۴۴ هـ.ق از سوی شاهرخ به سفارت دربار بیجانگر به هندوستان رفت هرمز را شهری معرفی می‌کند که «تجار اقالیم سبعة از مصر و شام و روم و آذربایجان و عراق عرب و عجم و ممالک فارس و خراسان و ماوراءالنهر و ترکستان و مملکت دشت قبیچاق و نواحی قلماق و تمامی بلاد شرق و چین و خان‌بالیق روی توجه به این بندر دارند... و مسافران عالم از هر جا آیند و هرچه آرند و در برابر، هر چه خواهند، بی‌زیادت جست‌وجوی در آن شهر می‌فرستند» (سمرقندی، عبدالرزاق، ص ۷۶۷). همچنین در خصوص گسترش تجارت در این دوره می‌نویسد: [در عهد شاهرخ] جهان چنان معمور و آبادان بود که حاوی اوراق [منظور خود سمرقندی است] از تاجری شنود که او به کرات قماش چین به مصر و روم آورده و از آن‌جا به مملکت چین برده بود که در دور عدل این پادشاه عالم پناه از مصر تا چین یک کوچه راه است و اطراف جهان و صحرا و بیابان چنان آبادان

شد که جغد از بی جایگاهی به جان رسید؛ چه در بسط زمانه به غیر سرا و خانه هیچ جا خرابه و ویرانه ندید» (همان، ص ۸۳۰).

در این مبادلات کالاهای مختلفی مانند پارچه و مروارید و زنجبیل و ابریشم مبادله می‌شد. میان ایران و عثمانی نیز مبادلات تجاری وسیعی در جریان بود، چون ابریشم ایران نیازهای عظیم کارگاه‌های عثمانی را برآورده می‌کرد. کالاهای اروپایی از راه آناتولی، منطقه‌ی فرات علیا و از طریق دریای سیاه از طرابوزان وارد ایران می‌شد. (رویمر و دیگران، ص ۲۰۰-۱۸۹).

در عصر شاهرخ به علت گسترش روابط خارجی، خصوصاً با چین، تجارت

چین نسبت به کالاهای فرهنگی و صنعتی ایران در جهت رونق هر چه بیشتر تجارت میان دو کشور بوده است. در این دوره کاروان‌سراها و رباط‌های فراوانی ساخته شد که در تسهیل رفت و آمد کاروان‌ها و رونق تجارت بسیار مهم و مؤثر بود.

۲. مالیات

در نظام مالیاتی عصر شاهرخ، سنت‌های مغولی به شکل کامل حفظ شده بود. مالیات‌های جنسی کشاورزان، مالیات تجارت و صنایع (تمغا) که از دوره‌ی مغول متداول شده بود در این زمان همچنان وصول می‌شد. حتی شاهرخ متدین نیز، به



با این کشور نیز رونق بسیاری یافت. همان‌طور که از مضمون مکاتبات میان شاهرخ و دایمینگ‌خان برمی‌آید طرفین در روابط خارجی گسترش تجارت را مدنظر داشته‌اند (حافظ ابرو، ص ۱۳۳).

در سال ۸۱۵ ه. ق در نامه‌ای که دایمینگ‌خان پادشاه چین به وسیله‌ی سفیر خود برای شاهرخ فرستاد چنین نوشته بود «بعد از این کسان فرستیم تا آی و رد [آمد و رفت] کنند تا راه منقطع نشود تا [تجار] تجارت و کسب به مراد خویش کنند» و «شاهرخ» در رسیدن سفرای چین دستور داد تا شهرها و بازارها را آذین بندند و هر صنعت‌ور کمال هنر ظاهر کرده دکان خود را آرآید» (سمرقندی، عبدالرزاق، ص ۱۳۰). ظاهراً هدف شاهرخ از این کار، جلب‌نظر سفیران و فرستادگان پادشاه

منظور مشروع نمودن آن، به این اکتفا کرد که تمغا را با عنوان زکات دریافت نماید تا آن را از اتهام خلاف شرع بودن مبرا سازد (رویمر، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵-۱۸۴).

از اراضی کشاورزی مالیات‌های مستقیم گرفته می‌شد که تعداد آن، برحسب نوع آبیاری، از ربع تا ثلث محصول افزایش می‌یافت. در مواردی که رعایا از پرداخت مالیات سر باز می‌زدند با توسل به زور نیروی نظامی مجبور به گرفتن آن می‌شدند (خواندمیر، ۱۳۵۳، ص ۶۰۲).

علاوه‌بر مالیات زمین و محصولات، مالیاتی نیز بابت حق مرتع، بازای هیزم و علوفه می‌ستاندند. یک نوع دیگر از مالیات‌هایی که معمول بود یک درصدی بود که برای بعضی از مأموران محلی وصول می‌شد. همچنین مالیات آسیاب‌ها

و عوارض و عیدی که در اعیاد مختلف می‌گرفتند نیز مرسوم بود (لمبتون، ۱۳۳۹، ص ۱۰۶-۱۰۵).

۳. مالیات ارضی (الف) وقف

یکی از نهادهایی که در دوره‌ی تیموری و به‌ویژه دوره‌ی شاهرخ اهمیت بسیاری یافت نهاد وقف بود. شاهرخ و بزرگان دربار وی به ساخت مدارس، خانقاه‌ها و ابنیه‌ای از این قبیل اهتمام وافری داشتند و جهت تأمین هزینه‌ی نگهداری این مؤسسات و پرداخت حقوق مدرسان و طلاب و خدمه و سایر هزینه‌ها، به وقف مبادرت می‌کردند. در سال ۸۱۳ ه. ق شاهرخ مدرسه و خانقاهی در هرات ساخت و بر آن «حمایه‌ی وقف نمود؛ نیز مزارع و مستغلات مرغوب بر آن وقف کرد» (خواندمیر، ۱۳۷۲، ص ۱۶۸-۱۶۶).

عایدات موقوفات جهت پرداخت هزینه‌ی بقاع و ابنیه‌ی عام‌المنفعه صرف می‌شد. بزرگان درباری نیز در بسیاری موارد به وقف مبادرت می‌نمودند. الغ بیگ بر مدرسه‌ای که در سال ۸۲۴ ه. ق در سمرقند ساخت، درآمد مزارع و عایدات چندین روستا را وقف کرد تا جهت مقرری و حقوق مدرسان و طلبه‌ی علوم دینی، خادمان و مؤذنان و سایر خدمه صرف شود (تاج‌السلمانی، ص ۱۶۸-۱۶۶). گوهرشاد آغا، همسر شاهرخ، که بخش عمده‌ای از ابنیه و عمارات به اهتمام وی ساخته شد در بنای مسجد جامع گوهرشاد در مشهد، مزارع زیادی را بر آن وقف نمود. امیر علیکه کولتاش از امرای بزرگ شاهرخ، نیز مدرسه‌ای در هرات ساخت و حمایه‌ی را بر آن وقف نمود (خواندمیر، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹-۱۶۸).

اداره‌ی موقوفات برعهده‌ی شخصی روحانی بود که صدراصدور لقب داشت. وظیفه‌ی دیوان موقوفات: «تحقیق تعیین

شاهرخ بعد از مرگ وی، این ولایت را به فرزندش ابراهیم سلطان واگذار نمود (همان، ص ۳۰۷).

شاهرخ به امرایی که در جنگ‌ها از خود لیاقت و کفایت بروز می‌دادند و یا موفق به سرکوب یاغیان می‌شدند سیورغال‌هایی به عنوان پاداش اعطا می‌کرد؛ از جمله‌ی آن‌ها امیر مضراب بود که در سال ۸۰۹ هـ ق بعد از سرکوبی یاغیان توانست، علاوه بر تصاحب اموال و متعلقات وی، از شاهرخ نیز سیورغال دریافت نماید (خوانی، ص ۱۶۹).

زمین‌هایی که به سیورغال داده می‌شد می‌توانست کوچک یا بسیار بزرگ باشد. در زمره‌ی سیورغال‌های بزرگ می‌توان از سیورغال واگذار شده به میرزا بایقرا یاد کرد که، چنان‌که گذشت، شامل اصفهان و بخش بزرگی از عراق عجم بود. از سیورغال‌های کوچک نیز می‌توان به سیورغال اعطایی شاهرخ به تومان آغا، بیوه‌ی تیمور، اشاره کرد که قصبه‌ی

کوسویه در نزدیکی هرات را شامل می‌شد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ص ۴۳۶).

اعطای سیورغال‌های بزرگ قدرت فراوانی را نصیب صاحب آن می‌نمود؛ به‌خصوص با در نظر گرفتن این که براساس معافیت مالیاتی سیورغال، صاحب سیورغال حق داشت تا تمام مالیات‌هایی را که سابقاً از مردم به نفع خزانه‌ی حکومتی اخذ می‌شد خود از مردم وصول کند. بنابراین، این امر، همراه با مصونیت و معافیت اداری و قضایی، صاحب سیورغال را بسیار قدرتمند می‌ساخت. چنان‌که سلطان میرزا بایقرا ی مذکور با قدرت وسیع خود این امکان را یافت که چند سال بعد علیه برادرش رستم میرزا در اصفهان لشکرکشی کند؛ امری که شاهرخ را ناچار به لشکرکشی بدان جانب نمود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ص ۶۰۰-۵۹۷).

به هنگام مرگ صاحب سیورغال، سیورغال وی به وارثانش می‌رسید. البته این انتقال همیشه با صدور فرمانی از سوی

اصالت وقف‌نامه و اسناد، حل و فصل دعاوی و شکایات مربوط به تصرف و اداره‌ی اموال وقفی به‌شمار می‌آمد (پطروشفسکی، ص ۳۰-۲۹). به نوشته‌ی خواندمیر در این دوره وظیفه‌ی صدرالصدور: «تمشیت سهام سادات و علما فضلا و رواج و رونق بقاع خیر و ابواب‌البر» و همچنین صرف حاصل و عواید موقوفات براساس شروط واقفان بوده است. بنابراین موقوفات یکی از منابع درآمد روحانیون به‌شمار می‌آمد (خواندمیر، ۱۲۵۳، ص ۶۴۰-۶۳۹).

ب) زمین‌داری (سیورغال)

در دوره‌ی شاهرخ، اعطای آنچه که سیورغال نامبرده می‌شد گسترش بسیاری یافت. سیورغال اصطلاحی مغولی است به معنی عمل حمایت از سوی حاکم یا «عطیه و هبه» و شامل مقدار زمینی بود (از یک ایالت تا یک ده) که سلطان به تابعان خود هدیه می‌کرد تا پشت در پشت از آن بهره گیرند (پیکولوسکایا و دیگران، ص ۴۴۸).

در دوره‌ی شاهرخ منابع گزارش‌های بسیاری را در خصوص واگذاری سیورغال به افراد مختلف به دست می‌دهند. در این دوره شاهزادگان و بزرگان لشکری موفق به دریافت سیورغال‌های متعددی می‌شدند. از جمله فارس، به عنوان سیورغال، در اختیار ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ قرار گرفت و بعد از مرگ وی نیز به فرزندش میرزا سلطان عبدالله واگذار گردید. شاهرخ همچنین در سال ۸۲۱ هـ ق کابل و غزنین و قندهار را به سیورغال به فرزند دیگرش میرزا سیورغتمش واگذار نمود و اصفهان و بخشی از عراق عجم شامل همدان و قلاع بروجرد و لرستان را نیز به میرزا بایقر ابن عمر شیخ بن تیمور تفویض نمود (سمرقندی، عبدالرزاق، ص ۶۴۸).

امیر شاه‌ملک، از امرای بزرگ تیمور که بعدها به خدمت شاهرخ درآمد از سوی او خوارزم را در سیورغال خود داشت.



تاجر دوره‌ی تیموری

شاهرخ صورت می‌گرفت. صدور فرمان جدید اطمینان و آرامش صاحب سیورغال را در برابر مخالفان در جهت حفظ سیورغال خود در بر داشت. بعد از فوت میرزا بایسنقر در سال ۸۳۸ هـ. ق، شاهرخ مناطق و ولایاتی را که تحت سیورغال وی بودند به فرزند بزرگش میرزا علاءالدوله واگذار کرد. همچنین در سال ۸۴۸ هـ. ق، بعد از مرگ فرزند دیگرش محمد جوکی، ولایات تحت سیورغال وی را به فرزندانش میرزا محمدقاسم و میرزا ابابکر واگذار نمود (خواندمیر، ۱۳۵۳، ص ۶۴۳). دارنده‌ی سیورغال موظف بود شخصاً در سپاه خدمت کند و در زمان مقتضی تعداد معینی سپاهیان مسلح در اختیار حکومت قرار دهد. طی جنگ‌های شاهرخ می‌بینیم که غیر از سپاهیان مستقر در پایتخت، هر یک از امرا و شاهزادگان موظف بودند تا با سپاهیان تحت فرمان خود به اردوی شاهرخ ملحق شوند. روحانیون، علما و

**دارنده سیورغال
موظف بود شخصاً
در سپاه خدمت کند
در زمان مقتضی
تعداد معینی سپاه
مسلح در اختیار
حکومت قرار دهد**

سادات نیز از این سیورغال‌ها برخوردار می‌شدند. در منابع، به کرات به اعطای سیورغال از سوی شاهرخ به سادات و بزرگان دینی اشاره شده است. برای مثال، شاهرخ در سال ۸۱۰ هـ. ق خطه‌ی دامغان را به امیر سید عزالدین هزار جزیری عنایت نمود. همچنین با مرگ سیدشریف‌الدین علی جرجانی (در سال ۸۳۸ هـ. ق) که از اکابر سادات بود و از شاهرخ سیورغال دریافت نموده بود تمام مناصب و سیورغال وی به فرزندانش اعطا شد. (سمرقندی، عبدالرزاق، ص ۶۸۲).

منافع مادی و اقتصادی حاصل از این سیورغال‌ها، به صاحبان آن‌ها امکان می‌داد تا به اقدامات سودمندی از قبیل ساخت ابنیه و اماکن عام‌المنفعه و امور خیر دیگر مبادرت ورزند. امیر شاه‌ملک که خوارزم را در سیورغال خود داشت از عایدات آن «بسی بقاع خیر از مدارس و خوانق [خوانق‌ها] و مساجد و اربطه [رباط‌ها] و حوض‌ها به یادگار گذاشت» (سمرقندی، عبدالرزاق، ص ۱۳۹). همچنین، توامان آغا، بیوه‌ی تیمور، که در سال ۸۱۴ هـ. ق قصبه‌ی کوسویه را به سیورغال دریافت

داشت با استفاده از عایدات سیورغال مزبور، مدرسه و خانقاهی را در آن ناحیه تأسیس نمود (سمرقندی، عبدالرزاق، ص ۱۲۴).

بایسنقر میرزا شاهزاده‌ی هنرمند و دانش‌دوست که ارزش اراضی سیورغالی وی در نواحی مختلف گرگان و خراسان و عراق عجم و فارس ششصد تومان (شش میلیون دینار) بود (سمرقندی، دولت‌شاه، ص ۳۹۲)، با استفاده از این امکانات وسیع اقتصادی بود که هنرمندان و صنعتگران ماهر را به هرات می‌خواند و با پرداخت مخارج آنان با گشاده‌دستی، آنان را به فعالیت‌های هنری و فرهنگی وامی‌داشت. با توجه به فعالیت‌ها و اقدامات فرهنگی و هنری این دوره که منجر به پیدایش یکی از اعصار درخشان فرهنگی و هنری ایران گردید می‌توان گفت که سیورغال به عنوان یکی از نهادهای اقتصادی، پشوانه‌ی مالی اقدامات فرهنگی هنری این دوره به‌شمار می‌آمد.

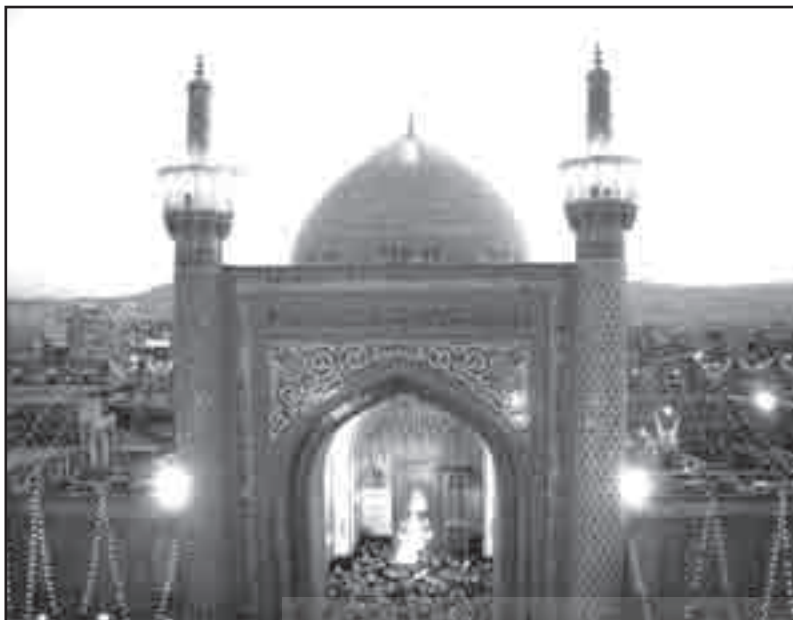
ج) کشاورزی

یکی از ابعاد توجه شاهرخ به امور عمرانی و آبادانی شهرها و روستاها، کشاورزی بود. وی به رونق کشاورزی و امور آبیاری علاقه و اهتمام بسیار داشت و در باغات متعلق به وی در هرات محصولات فراوانی به عمل می‌آمد. (ابونصری هروی، ص ۱۹۷).

نویسنده‌ی تاریخ جدید یزد، در خصوص توجه شاهرخ به کشاورزی می‌نویسد: «آن حضرت فرمود که در مجموعه‌ی بلاد خراسان، ترک و تازیک و دور و نزدیک، بدین مهم روی آورند و نخست آب را، که قوام معیشت انسان بدان منوط، بل اصل خلقت اشیاء بر آن مربوط است، جاری ساختند» (شاهرخ امرای خود را مأمور مرمت تأسیسات آبیاری و رونق کشاورزی نمود (کاتب، ص ۱۰۳).

علاوه بر شاهرخ، امرا و شاهزادگان نیز





۳. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، به کوشش مایل هروی، تهران؛ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۴. حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج ۳ و ۴، به تصحیح سیدکمال حاج سید جوادی، تهران؛ نشر نی، ۱۳۸۰.
۵. خواندمیر، غیث‌الدین، حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳ و ۴، با مقدمه جلال‌الدین همایی، چاپ دوم، تهران؛ انتشارات خیام، ۱۳۵۳.
۶. خواندمیر، غیث‌الدین، مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه‌الایخار، به کوشش میرهاشم محدث، تهران؛ مؤسسه مطالعات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.
۷. خوانی، فصیح‌الدین، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، مشهد، انتشارات باستان، ۱۳۳۹.
۸. کانت، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۵۷.
۹. ابونصری هروی، قاسم بن یوسف، ارشادالزراعه، به اهتمام محمد مشیری، تهران؛ ۱۳۴۶.
۱۰. پطروشفسکی، ایلینا پاولویچ، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران، ج ۲، ترجمه کریم کشاورز، تهران؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.
۱۱. تاج‌السلمانی، شمس‌الحسن، چاپ عکس از نسخه شماره ۳ و ۴ کتابخانه لالا اسماعیل افندی، با ترجمه آلمانی هانس روبرت رومر، بی‌تا.
۱۲. پیکولوسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز، چاپ چهارم، تهران؛ انتشارات پیام تهران، ۱۳۵۴.
۱۳. رویمر، هانس روبرت، ایران در راه عصر جدید، ترجمه آذر آهنچی، تهران؛ دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۱۴. رویمر و دیگران، تاریخ ایران دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، جامی، ۱۳۷۹.
۱۵. لمبتون، آن، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۹.

به تبعیت از وی به کشاورزی توجه نموده و در جهت رونق آن سعی و تلاش بسیاری می‌کردند. امیرعلیکه کولکناش یکی از امرای بزرگ شاهرخ: «به زراعت و دهقنت میل عظیم داشت و تخم کشت [بذر] او از هزار خروار گذشت». وی در دهی دوردست به نام مصر، مزارع بسیاری خرید و به نیابت از سوسی خود «وکلا و سرکاران مقرر ساخته و آن مواضع و مزارع را معمور و مزروع گردانید». (سمرقندی عبدالرزاق، ص ۷۴۷-۷۴۶).

در نتیجه اقدامات و فعالیت‌های انجام شده، کشاورزی چنان رونقی یافت که قاسم بن یوسف هروی را به نوشتن کتابی در خصوص کشاورزی و محصولات فراوان باغات و مزارع هرات در عهد شاهرخ واداشت. از محتوای کتاب وی پیداست که در باغات هرات انواع گوناگون محصولات کشاورزی، از جمله متجاوز از صد نوع انگور، به عمل می‌آمده است. زنبورداری و پرورش کرم ابریشم نیز از اشتغالات دیگر کشاورزان به‌شمار می‌آمد (ابونصری هروی، ص ۶۷).

آبیاری زمین‌های کشاورزی از طریق چاه و قنوات و چشمه‌ها و جریان هریرود یا رود هرات صورت می‌گرفت.

به فرمان شاهرخ از رود هرات جوی‌های فراوانی انشعاب کرده بودند که مزارع اطراف را آبیاری می‌نمود (حافظ ابرو، ۱۳۴۹، ص ۱۵/۲۵).

توجه شاهرخ به امر کشاورزی، خصوصاً پس از ویرانی‌های ناشی از حملات تیمور و دوره‌های پیش‌تر از آن در زمان مغولان، از عوامل مهم رونق اقتصادی و رفاه عمومی این دوره به‌شمار می‌آید.

مأموران قلمرو سیورغال از طرف صاحب سیورغال معین می‌شدند و فقط تابع او بودند. مأموران دستگاه مرکزی حق ورود به اراضی سیورغال را نداشته مصونیت و معافیت مالیاتی به صاحب سیورغال در قضا

و دارایی و امور لشکری تفوق می‌بخشید و معافیت مالیاتی به او حق می‌داد تا تمام مالیات‌هایی را که سابقاً از مردم به نفع خزانه حکومتی اخذ می‌شد از طرف خود اراضی را به تابعان و دست‌نشانندگان خویش به سیورغال بدهند. (پیکولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴، ص ۴۴۸).

۲. مصر نام یکی از دهکده‌هایی است که تیمور ساخته و هر یک را به نام یکی از شهرهای بزرگ جهان چون دمشق، بغداد، مصر، سلطانیه و شیراز نام نهاده بود (ابن عربشاه، ۱۳۶۵، ص ۳۰۸).

پی‌نوشت

۱. صاحب سیورغال موظف بود خدمت لشکری برای سلطان انجام دهد و سپاه فئودالی از عده‌ی معینی سوار از افرادی که در سیورغال او بودند تشکیل می‌یافت. صاحب سیورغال گذشته از معافیت مالیاتی که سابقاً صاحبان اقطاع نیز از آن نصیب داشتند از حق معافیت قضایی و اداری نیز برخوردار بود.

منابع

۱. سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع‌البحرین، ج ۲، به تصحیح محمد شفیع، ۱۳۶۵.
۲. سمرقندی، دولتشاه، تذکره الشعرا، به تصحیح محمد عباسی، تهران؛ انتشارات بارانی، بی‌تا.